

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهاردهم، شماره‌ی پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۱۵
(مقاله علمی - پژوهشی)

برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایران و تأثیر آن بر مهارت افزایی دانشجویان (۱۳۴۳-۱۳۵۳)^۱

شهلا بختیاری^۲، سمیه عباسی^۳

چکیده

ضرورت تحصیل زنان که پیش زمینه ایفای نقش مطلوب ایشان در مقام همسر و مادر است، از زمان مشروطیت مورد توجه قرار گرفت. فقدان امکانات آموزشی مناسب، یکی از موانع تحقق اقبال گسترده به تحصیلات عالی در بین دختران بود. کریم فاطمی از مدیران آموزشی عصر پهلوی دوم با شناخت ریشه‌های فرهنگی و موانع فیزیکی مسئله مذکور، در سال ۱۳۴۳ مدرسه عالی دختران را تأسیس و برنامه‌های آموزشی مدرسه را با تابعیت از قوانین آموزشی کشور طراحی کرد، سعی او طراحی و راه اندازی رشته‌هایی بود که با آموزش مهارت‌های تخصصی، دانشجویان را برای اداره خانواده و ایجاد فرصت اشتغال توانمند کند. در این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با اتکاء بر داده‌ها، به تحلیل تأثیر احتمالی برنامه‌های آموزشی رشته‌های هفت گانه و فوق برنامه‌های دانشگاهی این مدرسه در ارتقاء مهارت دانشجویان تا سال ۱۳۵۳ پرداخته‌ایم. امتیاز آوری دانشجویان مدرسه در مسابقات بین دانشگاهی و همچنین تقاضای نیروی کارآموز از سوی مؤسسات متعدد، گویای تأثیر مثبت سرفصل‌های دروس برنامه‌ها و فوق برنامه‌ها، در تغییر فضای فرهنگی

۱. این پژوهش و دستاوردهای آن مستخرج از طرح رساله دکتری در دانشگاه الزهرا (س) بوده، حقوق مالکیت فکری آن متعلق به دانشگاه الزهرا (س) است.

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

۳. دانش آموخته دکتری تخصصی تاریخ ایران معاصر، دانشکده ادبیات، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) s.abbassi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

جامعه نسبت به تحصیل زنان و استفاده از توانمندی تخصصی ایشان است.
واژه‌های کلیدی: مدرسه عالی دختران، دانشگاه الزهرا، زنان، مهارت افزایی،
 برنامه‌های آموزشی، کریم فاطمی.

مقدمه

نگاهی تاریخی به اهداف تأسیس «مدرسه عالی دختران ایران»^۱ و پیوند آن با ضرورت آموزش زنان، مدخلی برای ورود به مسئله اصلی پژوهش حاضر شده است. با توجه به چالش‌های موجود در مسیر تحصیلات عالی زنان از جمله مسئله کشف حجاب، سنت دیرپای جامعه در تسریع ازدواج دختران در سنین پایین و نبود امکانات مناسب با ساختار و بافت فرهنگی جامعه ایران که فراز و نشیب‌هایی را تا آغازین سال‌های دههٔ چهل شمسی برای تحصیلات آکادمیک زنان ایجاد می‌کرد، با تحولات مرتبط با انقلاب سفید و ضرورت اصلاحات اساسی‌تر، کریم فاطمی از مدیران فرهنگی عصر پهلوی دوم با تجربیات آموزشی و مطالعات فرهنگی که کسب کرده بود، با گرفتن مشورت و همکاری در سال ۱۳۴۳ شمسی مدرسه عالی دختران ایران را با هدف تربیت نسلی از زنان شایسته ایرانی تأسیس کرد.^۲ در برنامه‌های آموزشی مدرسه که تبلوری از سیاست‌های کلان آموزشی نیز بود سعی بر آن داشت تا با توجه به نیازهای زنان و انتظارات حکومت و جامعه از ایشان، رشته‌ها و دروسی در برنامه‌های درسی و فوق برنامه‌های دانشگاهی قرارگیرد، که در بهبود زندگی خانوادگی و شرایط اجتماعی ایشان از منظر اشتغال مؤثر واقع شود. پژوهش پیش رو با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه

1. Iran Girl's College

۲. پیشینه تاریخی مدرسه عالی دختران به سال ۱۳۴۳ شمسی باز می‌گردد. مدرسه‌ای که مؤسس آن دکتر کریم فاطمی با الگوبرداری از نمونه‌های موفق کشورهای توسعه یافته، یکی از اهداف تأسیس آن را ایجاد بستری امن برای تحصیل دختران طبقات مختلف اجتماعی عنوان نمود. این مدرسه طی تحولات تاریخی خود، از ساختمان‌های استیجاری خیابان ایرانشهر به زمین‌های موقوفی ده ونک منتقل شد و با توسعه مکانی و ارتقاء سطح آموزشی و گسترش رشته‌های تخصصی به دانشگاه تبدیل شد. دانشگاهی که با نام «فرح پهلوی» در سه سال پیش از انقلاب به فعالیت خود ادامه داد، با پیروزی انقلاب، بدون ثبت رسمی در وزارت علوم به دانشگاه «محبوبه متحدین» تغییر نام یافت و در نهایت از سال ۱۳۶۲ تاکنون با نام الزهرا، در جایگاه بزرگ‌ترین دانشگاه زنان خاورمیانه در حال فعالیت است.

بر منابع و داده‌های آماری و اسنادی دربارهٔ فعالیت یازده سالهٔ مدرسهٔ عالی دختران که امروز به نام دانشگاه «الزهر» شناخته می‌شود، بر آن است تا تأثیر این برنامه‌های آموزشی را که شامل دروس رشته‌های تحصیلی و فوق برنامه‌های دانشگاهی بود، بر مهارت‌افزایی دانشجویان این کالج دخترانه مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. لازم به ذکر است در مورد مسئلهٔ پژوهش حاضر و در کل فرایند تاریخی دانشگاه الزهرا تاکنون هیچ پژوهشی انجام نگرفته است، از این‌رو نوشتار حاضر دارای هیچ پیشینهٔ تحقیقی نیست، اما در مورد ارتباط برنامه‌های آموزشی و مهارت‌افزایی دانشجویان سه اثر «نگاهی انتقادی به علوم اجتماعی در ایران؛ آموزش، مهارت و اشتغال» از محمد سالار کسرای و آتنا غلام نیارمی، «بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش رشتهٔ باستان‌شناسی در ایران: تأسیس، توسعه، اشتغال» از مهسا ویسی و «آموزش عالی فلسفه در ایران (گفتمان‌های فکری، برنامه‌ریزی آموزشی، مهارت و اشتغال» از مالک شجاعی جشقانی که همگی از سوی انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسیده‌اند، را می‌توان بخشی از پیشینهٔ کلی این موضوع قلمداد کرد که در اثر حاضر نیز کمک‌رسان بخشی از پژوهش بوده‌اند.

چهارچوب مفهومی پژوهش

- تعاریف و رویکردهای نظری در ارتباط با آموزش و مهارت‌افزایی

تربیت نیروی انسانی متخصص در جامعه، عامل بنیادین هر برنامه‌ریزی آموزشی-پژوهشی می‌باشد. «جایگاه و کاربرد هر علمی در یک جامعه، نکتهٔ اساسی است که مهارت نیز با آن رابطهٔ تنگاتنگ دارد. آشکار است که برنامه‌های آموزشی، در این میان نقش اساسی را در انتقال این مهارت به دانشجویان هر علمی بازی می‌کنند. بنابراین بررسی میزان هم‌پوشانی محتوای آموزشی با اهداف و کاربرد آن رشته، نکتهٔ بسیار ضروری و مهمی است و بایستی در یک راستا باشند. ضعف در برنامه‌های آموزشی به قطعیت موجب ضعف در پرورش نیروی کار مرتبط با هر حوزه خواهد شد... بنابراین در مرحلهٔ برنامه‌ریزی دروس آموزشی، اساس محتوا بایستی طوری تنظیم شود، که علاوه بر حفظ همهٔ جنبهٔ ماهیت آن علم، ارتباط مستقیم با مهارت‌های لازم برای

کاربرد آن را داشته باشد. در عین حال برخی از مهارت‌های لازم در هر زمینه‌ای به بافت بومی آن جامعه نیز مرتبط است. به این معنا که هر علم یک شالوده ثابت و مشترک عام دارد، که در عین حال بایستی با مؤلفه‌های بومی هر جامعه‌ای نیز همخوانی داشته باشد» (ویسی، ۱۳۹۹: ۱۵).

به طور کلی برنامه آموزشی، حلقه اتصال دانشجویان به دانش و مهارت است و چهارچوبی است که دانش‌آموختگان در درون آن تخصص‌های لازم را کسب می‌کنند و برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌شوند. هر اندازه این برنامه مهارت افزا، تخصص محور، کاربردی‌تر و متناسب با نیازهای جاری کشور و بازار تقاضا باشد، به همان نسبت هم نظام آموزش عالی موفق‌تر و هم جامعه در پاسخ به نیازها کامیاب‌تر است (شجاعی جشوقانی، ۱۴۰۰: ۱۲).

در تعریف مهارت و دانش که برای کاربردی نمودن یک شاخه علمی خاص با یکدیگر در ارتباط‌اند، می‌توان بیان داشت که اولی «نوعی توانایی در انسان است که در موقعیت واقعی، ضمن درگیری عملی با موضوع مهارت، به کشف عملی، آفرینش‌گری و تولید منجر می‌شود. این توانایی حاصل یادگیری تدریجی و شهودی است. آموزش مهارت دارای اهدافی معین و قابل سنجش با معیارهای معلوم است که افراد می‌توانند صرف نظر از کاربرد آن را بیاموزند. مهارت، درک و دانش عمیق و تخصصی در یک رشته معین است که حاصل تجربه، تربیت و آموزش بوده و به تدریج طی یک مدت طولانی در شخص ایجاد می‌شود. از سوی دیگر دانش امری آموختنی است که با اطلاعات نظری و انتقال آن‌ها پیوند دارد و موضوع آن عموماً غیر عینی است و با پردازش، استدلال، تشریح، تبیین، توصیف و تجزیه و تحلیل ذهنی به دست می‌آید. دانش در فرآیند انتقال و آموزش و همچنین در تعیین اهداف و میزان نیل به آن‌ها وضوح کافی ندارد. دانش صورت ذهنی ایده‌ها، واقعیت‌ها، مفاهیم، داده‌ها، و تکنیک‌های ثبت شده در حافظه انسان است. در حقیقت اختلاف میان دانش و مهارت را می‌توان به عمق دانش نسبت داد. بر اساس این دو تعریف در واقع دانش و مهارت لازم و ملزوم هستند. بدین معنا که این دو مفهوم یک جفت معنایی متضاد نبوده؛ بلکه مکمل همدیگرند. با ارتباط میان دانش و مهارت در یک برنامه آموزشی هر دو بعد

ذهنی و عینی صورت‌بندی می‌گردد و فراگیران از توانمندی فزاینده‌ای برخوردار می‌شوند. مهارت آموزی تکمیل‌کننده آموزش نظری است و از ضروریات هر سیستم آموزشی است» (کسرایبی و غلام نیارمی، ۱۳۹۹: ۶۵-۶۶).

در ضرورت پیوند این دو مقوله با یکدیگر و به طور کلی دیدگاه‌های مرتبط با چگونگی طراحی برنامه‌های آموزشی، رابطه علم و مهارت و رابطه مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان، رویکردهای نظری مختلفی وجود دارد. مثلاً در مورد طراحی و تدوین برنامه‌های آموزشی می‌توان رویکرد علمی-دانشگاهی، رویکرد فراگیر محوری، رویکرد کارایی اجتماعی و رویکرد بازسازی اجتماعی را از جمله آن‌ها دانست.

با نگاهی به اهداف و برنامه‌های درسی مدرسه عالی دختران ایران می‌توان دو رویکرد کارایی اجتماعی^۱ و بازسازی اجتماعی^۲ را با برنامه‌ها و اهداف آن منطبق دانست، که در ادامه با ذکر تعریفی از این دو رویکرد نظری، به اهداف تأسیس مدرسه، ارائه برنامه‌های آموزشی و تحلیل آن‌ها برای مشخص شدن میزان تأثیر آن‌ها بر مهارت‌افزایی دانشجویان خواهیم پرداخت. در رویکرد کارایی اجتماعی «هدف نظام آموزشی برآورده ساختن نیازهای جامعه از طریق تربیت افرادی است که بتوانند به عنوان اعضای رشد یافته در آینده عمل کنند. در واقع هدف این رویکرد پرورش مهارت‌ها و رویه‌هایی در جوانان است که در محیط کار و خانه به آن‌ها نیاز دارند تا زندگی پر باری داشته باشند و عملکرد جامعه را تداوم بخشند» (همان، ۵۵). در رویکرد بازسازی اجتماعی، این دیدگاه «نسبت به مسائل اجتماعی و بی‌عدالتی‌های صورت گرفته در حق افراد جامعه، که ریشه در نابرابری‌های نژادی، جنسیتی، اجتماعی و اقتصادی دارند، آگاهی می‌دهد. هدف آموزش در این رویکرد تسهیل ساختن جامعه‌ای جدید و با عدالت است که میزان رضایت را برای تمام اعضایش ارائه می‌کند» (همان، همانجا).

هدف از تأسیس مدرسه عالی دختران ایران

نبود اقبال جامعه ایرانی برای تحصیل دختران، به ویژه در سطوح آموزش عالی، دارای

1. Social efficiency approach
2. Social reconstruction approach

عوامل متعدد ساختاری است. عواملی که منبعث از ساحت‌های عرفی و مذهبی بود و حکومتگران وقت نیز التفات جدی برای فراهم کردن شرایط مطلوب نداشتند، در این میان، معدود افرادی با شناخت کامل از این موانع سعی داشتند به حد توان دست به مانع‌زدایی بزنند که می‌توان این امر را در دو رویکرد مذکور جای داد. دکتر «کریم فاطمی» را باید از جمله این افراد بر شمرد. او «خدمت فرهنگی را از تدریس دبیرستان آغاز و ۱۱ سال ریاست فرهنگ و مدیرکلی استان‌های خوزستان، اصفهان و فارس را عهده‌دار» بود (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵، ۱۳۴۵: ۴۱). فاطمی در سال ۱۳۳۵ به سمت مدیرکل فنی و در سال ۱۳۳۸ به سمت معاون تعلیماتی وزارت آموزش و پرورش منصوب شد (همان، همانجا).

او که نقشی مهم در تصویب طرح تعلیمات عشایر در سال ۱۳۳۴ شمسی داشت^۱ با سابقه مطالعات فرهنگی و تحقیقی در زمینه روش‌های نوین آموزش و پرورش و شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت در ژنو و پاریس (همان، همانجا)، در نهایت با شناخت موانع و روش‌های نوین آموزشی، دست به تأسیس مدرسه عالی دختران در سال ۱۳۴۳ شمسی زد و سعی در برطرف نمودن موانع تحصیل دختران ایران داشت. فاطمی در خاطرات خویش با عنوان «ده سال خدمت» و همچنین در مقدمه‌های متعددی که بر گزارش‌های سالانه مدرسه عالی دختران ایران نوشت، به روشنی هدف خویش را از تأسیس این کالج دخترانه که بعدها تا سطح دانشگاه‌های کشور ارتقاء یافت و امروزه به نام دانشگاه «الزهر» شناخته می‌شود بیان کرده است. فاطمی فکر تأسیس مدرسه عالی را به سال‌های پایانی دهه ۳۰ شمسی مرتبط می‌داند و یکی از عوامل تأثیرگذار را مشاهده تفاوت بارز بین دختران و پسران در سطح تحصیلات عالی ذکر می‌کند. او می‌نویسد: «به سال ۱۳۳۹ خورشیدی یعنی هنگامیکه مسئولیت امور تعلیماتی کشور را در وزارت فرهنگ سابق بر عهده داشتم دقت در آمار

۱. موضوع ذکر شده، علاوه بر ذکر در آثار محمد بهمن بیگی در مصاحبه نویسنده مقاله با سکیه کیانی همسر مرحوم محمد بهمن بیگی نیز مطرح شد و ایشان با تأکید چند باره بر این نقش تأثیرگذار مهر تأیید زدند و از دوستی نزدیک کریم فاطمی با پدر تعلیم و تربیت عشایر ایران خاطراتی چند ذکر کردند.

دانش آموزان و دانشجویان به ویژه شمار اندک دخترانی که پس از فراغ از تحصیل دوران متوسطه به دانشگاهها روی می‌آوردند بسیار شگفت‌انگیز و در خور بررسی بسیار بود زیرا تفاوت بارزی بین شمار پسران و «دوشیزگان» که دوران تحصیلات عالی را می‌گذراندند وجود داشت و گویی عوامل خاصی این اختلاف را که با روح تساوی زن و مرد هماهنگ به نظر نمی‌رسید صورت حقیقت بخشیده بود... نگارنده که به حکم وظیفه و تقدیر در مسیر این تحول و تغییر قرار گرفته بودم، فکر ایجاد مدرسه عالی مفیدی را برای دختران در مخیله خود پرورده و کم‌کم تقویت کردم و در عالم اندیشه پیوسته نشیب و فراز و اشکالات و منافع کار را بررسی می‌نمودم و سرانجام ضرورت تأسیس کالجی دخترانه روشن و سودمند تشخیص گردید و به تهیه مقدمات و اجرای آن مصمم شدم» (فاطمی، بی‌تا: ۳). او همچنین کمبود امکانات آموزشی دولتی را دلیلی دیگر برای تأسیس مدرسه آن هم به سبک مؤسسه‌ای غیر انتفاعی می‌داند (همان، ۷).

همچنین «ایجاد فرصت مناسب برای پرورش استعدادها و نهفته دختران جوانی که تحصیلات دبیرستانی را به پایان می‌رسانند و آماده نمودن آنان برای قبول مسئولیت‌های سنگین اجتماعی و اداری» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵، ۱۳۴۵: ۴) نیز از جمله عواملی است که فاطمی مورد تأکید قرار می‌دهد و این اهداف را در ماده اول اساسنامه مدرسه عالی دختران گنجانده (همان، ۸).

اهداف مذکور و نگاهی به بندهای متعدد اساسنامه مدرسه عالی دختران و همچنین اساسنامه هیئت امنای مدرسه^۱ که به تصویب شورای مرکزی دانشگاهها رسیده بود^۲ به خوبی نشان‌دهنده وجود رویکرد بازسازی اجتماعی در برنامه‌ریزی، اهداف و قوانین پایه مدرسه عالی است. از جمله بندهای متعدد این اساسنامه‌ها تعیین موقعیت مکانی مدرسه، توافق جهت گسترش آن به شهرستانها، تأیید تصویب برنامه تحصیلی طبق قوانین شورای مرکزی دانشگاهها، تأیید صلاحیت علمی هیئت علمی در شورای مرکزی

۱. برای اطلاع از تمام بندها و جزئیات اساسنامه‌های مذکور نک: (کارنامه سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵، ۱۳۴۵: ۱۱-۱۲ و ۲۸-۲۹)

۲. اساسنامه‌های مدرسه عالی مصوب هفتاد و چهارمین جلسه شورای مرکزی دانشگاهها مورخ پانزدهم اسفند ماه ۱۳۴۳ است.

دانشگاه‌ها را می‌توان ذکر کرد.

ضرورت تحصیل برای دختران در جایگاه مادران و همسران آینده، توجیهی منطقی برای حمایت از تحصیلات ایشان در مقابل طیف وسیع مخالفان مذهبی-سنتی جامعه بعد از مشروطیت بود. این رویکرد فکری حتی در برنامه‌ریزی جنسیتی دروس عصر پهلوی اول نیز مشهود بود و در زمان تأسیس مدرسه عالی دختران و تدوین رشته‌های تحصیلی ابتدایی آن نیز سیر این اندیشه قابل ردیابی است، به گونه‌ای که فاطمی به صراحت در خاطرات خویش یکی از اهداف خود از این کار فرهنگی را چنین بیان می‌کند: «با احداث مدرسه عالی دختران می‌خواستم کدبانوئی شایسته، رهبری ارزنده و مادری نمونه به وجود آورم. از آغاز درصدد بودم تعلیم با تربیت هماهنگ و در ردیف واحدی قرار گیرد. توازنی به وجود آید، نه آداب نشست و برخاست و پرورش کودک و آئین شوهرداری و احیاناً خدمت در دستگاه‌های دولتی و مؤسسات ملی، بر کسب دانش لازم برای هر یک از این مواد بچربد و نه تنها بی علم رفتن و از همه چیز غافل ماندن جای همه اصولی را که از آن به زندگی مرفه تعبیر می‌کنیم بگیرد» (فاطمی، بی تا: ۹۶).

سیاست مدرن‌سازی ابعاد مهم زندگی انسان ایرانی، هر چند ضرورت زمانه بود، به دلیل بی‌تجربگی حکومت پهلوی نتایج مطلوب گسترده‌ای نداشت. یکی از این موارد، ایجاد نشدن بسترهای لازم برای فراهم شدن امکان تحصیلات عالی دختران بود. کریم فاطمی نبود مؤسسات عالی و اختصاصی برای دختران در مراکز مختلف استانی و نبود محل سکونت امن در تهران برای داوطلبین شهرستانی را از دلایل مهم استقبال نکردن جامعه برای تحصیلات دختران می‌داند و بیان می‌کند که از همان آغاز جهت رفع این نقص، با حمایت مالی فرح پهلوی و اختصاص بودجه، دست به تأسیس شبانه‌روزی برای تحصیل دختران شهرستانی در مدرسه عالی زده است: «با تأسیس شبانه‌روزی خانواده‌های مقیم شهرستان‌ها می‌توانند با اطمینان کامل دختران خود را جهت تحصیل و استفاده از مزایای شبانه‌روزی مدرسه عالی دختران به تهران بفرستند و از لحاظ محل سکونت و تحصیلات آنان ابداً نگرانی و ناراحتی نداشته باشند» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۶۱؛ راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶، ۱۳۴۵: ۵).

زندگی در محیط خوابگاهی یا به اصطلاح آن روز شبانه‌روزی، از دیدگاه مؤسس کالج دختران ایران و هیئت امنای مدرسه سبب ایجاد مسئولیت‌پذیری دختران در امر اداره خوابگاه بود: «دختران جوان با وظایف سنگین خانه‌داری که در آینده عهده‌دار خواهند شد آشنا گردیده جهت زندگی آماده شوند» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹، ۱۳۴۹: ۶۱).

پررنگ بودن این دیدگاه؛ یعنی تربیت زنان شایسته در وهله نخست برای نظام خانواده و در سطح کلان برای اجتماع امری است که در اقدامات عملی فاطمی و همکاران همراه او به وضوح قابل مشاهده است. مثلاً پذیرش دانشجویان متأهل و شاغل در سه شیفت تحصیلی مدرسه عالی دختران، جهت ارتقاء تحصیلی آن‌ها و دایر نمودن رشته‌های کاربردی برای ایجاد مهارت‌افزایی و هموار نمودن مسیر اشتغال آن‌ها از مهم‌ترین مواردی است که می‌توان اشاره کرد. گونه‌شناسی رشته‌های تحصیلی در فعالیت یازده ساله مدرسه عالی و معرفی برخی از مهم‌ترین واحدهای درسی، میزان ساعت واحدهای عملی و نظری، میزان ارتباط تخصص اساتید با دروس، همچنین دلایل ایجاد رشته‌ها که مبحث بعدی نوشتار حاضر است، در کنار توجه به ارتقای مهارت دانشجویان در فوق برنامه‌های دانشگاهی، تأییدی بر مدعای ذکر شده است. ادعایی که نشان می‌دهد متولیان کالج دختران ایران، در کنار پایبندی عمیق به سیاست‌های کلان آموزشی با به کار بردن خلاقیت‌های مدیریتی در تأسیس رشته‌های مورد نیاز دختران، سعی در ارتقای مهارت‌های دانشجویان در دوره تحصیلی داشتند.

ارائه داده‌ها و تحلیلی بر تأثیر برنامه‌های آموزشی در مهارت‌افزایی دانشجویان

مؤلف «ده سال خدمت» در جمع‌بندی اهداف خویش از تأسیس مدرسه عالی دختران مواردی چون «پرورش صحیح بانوان برای قبول مسئولیت‌های خانوادگی، تقویت مهارت‌های رهبری بانوان جهت احراز مسئولیت‌های متنوع اجتماعی، پرورش دختران به منظور تعهد وظایف و خدمات اداری، توجه کامل به تربیت شخصیت و پرورش خوی و خصال بانوان» (فاطمی، بی‌تا: ۱۱۸) را از مهم‌ترین این دلایل بر می‌شمارد. بنابراین، اغلب رشته‌های مدرسه عالی و فوق برنامه‌های دانشگاهی همسو با این اهداف دایر شدند.

- مروری کلی بر ایجاد و تغییرات رشته‌های مدرسه عالی دختران

از مهر ۱۳۴۳ شمسی که مدرسه عالی دختران اقدام به پذیرش دانشجو و آغاز فعالیت‌های آموزشی کرد تا سال ۱۳۵۴ شمسی که به عنوان یکی از دانشگاه‌های کشور مورد تأیید قرار گرفت، تحولات متعددی در حوزه‌های آموزشی این موسسه علمی به وقوع پیوست. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ایجاد دوره لیسانس حدود دو ماه پس از آغاز به کار مدرسه بود؛ زیرا در ابتدا مدرسه صرفاً با دوره دو ساله فوق دیپلم در دو رشته، اقدام به جذب دانشجو کرده بود: «به استناد این برنامه، مدرسه به دو دوره فوق دیپلم و لیسانس تقسیم می‌شد و گمان می‌رفت عده‌ای از دانشجویان تنها به دوره فوق دیپلم اکتفا کنند. در دوره دو ساله اول ۷۸ واحد درسی به دانشجویان عرضه می‌گردید که ۳۶ واحد آن دروسهای عمومی بود و از ۴۲ واحد عرضه شده دیگر می‌توانستند به انتخاب خود ۳۴ واحد برگزینند. دوره دو ساله به دو قسمت فنون خانه‌داری و مترجمی و منشیگری زبان‌های خارجی اختصاص داشت. پس از اخذ فوق دیپلم و گذراندن ۷۰ واحد درسی دانشجو می‌توانست بنا بر رشته انتخابی خود ۷۰ واحد دیگر مربوط به مترجمی و منشیگری یا خانه‌داری بگیرد و با ۱۴۰ واحد لیسانس شود. دوره چهار ساله‌ای هم برای تحصیل روانشناسی (درست از نظر کم و کیف معادل رشته روانشناسی دانشگاه تهران) به شورای مرکزی دانشگاهها پیشنهاد گردید تا در صورت تصویب، مدرسه عالی دختران دارای سه رشته متمایز جهت دوره لیسانس گردد» (فاطمی، بی‌تا: ۱۱۸).

طبق گزارشی رسمی، این تصمیم به علت علاقه دختران دانشجو و همچنین نظرات اساتید اولیه مدرسه در ناکافی بودن سال‌های تحصیل پیشنهادی بود؛ لذا «با رعایت احتیاجات کشور به نیروی انسانی و با در نظر گرفتن برنامه‌های مدارس مشابه خارجی و با مشورت صاحب‌نظران و دانشمندان برنامه چهارساله دوره لیسانس در رشته‌های روانشناسی، مترجمی زبان‌های خارجی و منشیگری و خانه‌داری تهیه و به شورای مرکزی دانشگاهها تسلیم شد. این پیشنهاد در هفتاد و چهارمین جلسه شورای مرکزی دانشگاههای ایران مورخ ۱۵ اسفند ماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی تصویب و جهت اجرا به مدرسه ابلاغ گردید» (راهنمای سال تحصیلی، ۱۳۴۴-۱۳۴۵، ۱۳۴۵: ۵؛ فاطمی،

بی‌تا: ۱۷). بنابراین، می‌توان رشته‌های اولیه مدرسه را که در سال اول تحصیلی ایجاد گردید فنون خانه‌داری، مترجمی زبان‌های خارجی و منشیگری و روانشناسی دانست. نگاهی به گزارش‌های عملکرد نزدیک به یازده ساله مدرسه، هر چند نشان دهنده تغییرات، توسعه و تخصصی شدن این رشته‌های پایه است، اما مطابق با خاطرات فاطمی مسئولین وقت مدرسه به موازات پیاده‌سازی اهداف مصوب در اساسنامه، سعی بر اخذ مجوز از وزارت علوم برای رشته‌های کاربردی دیگر نیز داشته‌اند: «در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۴۴ تأسیس رشته‌های فیزیک و شیمی و ریاضیات به شورای مرکزی دانشگاهها پیشنهاد شد ولی با اینکه در جلسه ۱۸ تیرماه ۱۳۴۵ در شورای مذکور مطرح گردید و مقرر شد نمایندگانی از طرف شورای مرکزی دانشگاهها به این امر رسیدگی کنند هنوز از نتیجه اقدام بی‌خبریم. پس از مطالعات زیاد در تاریخ دهم خرداد ۱۳۴۶ رشته تربیت متخصص برای تصدی امور اداری بیمارستان‌ها و کارهای آماری بیمارستانی، اقتصاد پزشکی و منشیگری پزشکی بیمارستان‌ها به شورای مرکزی دانشگاهها پیشنهاد شد و با وجودی که چند بار از طرف نمایندگان مدرسه پی‌جویی به عمل آمده است نتیجه نهائی تا این تاریخ ابلاغ نگردیده است. (۱۳۵۳)» (همان، ۱۵۳-۱۵۴).

به این ترتیب پس از چند ماه، با تغییر برنامه درسی مدرسه از سوی متولیان، دو رشته اولیه با دو دوره اختیاری فوق دیپلم و لیسانس به کار خود ادامه داد و رشته روانشناسی با تعریف دوره لیسانس به این رشته‌ها پیوست. فرآیند تغییرات این رشته‌ها در خاطرات فاطمی این‌گونه ذکر شده است: «در دو ساله اول فوق دیپلم ۳۶ واحد دروس عمومی از قبیل فارسی، زبان‌های خارجی، علم الاجتماع، علوم سیاسی، اقتصاد و روانشناسی و تاریخ علوم و بهداشت در سال اول تدریس می‌شد و در سال دوم کسانی که مایل بودند در رشته فنون خانه‌داری شرکت کنند ۳۴ واحد از ۴۲ واحد دروس زبان خارجی، طراحی و خیاطی، کار دستی و آداب پذیرائی، پرستاری و بچه‌داری و هنرهای تزئینی، پارچه‌شناسی را انتخاب می‌کردند. افرادی که مایل بودند رشته مترجمی زبان‌های خارجی و منشیگری را برگزینند ۳۴ واحد از ۴۲ واحد دروس زبان خارجی و منشیگری و خلاصه نویسی و دفترداری، فارسی و حسابداری را

انتخاب می‌نمودند و پس از آن در دو ساله دوم دسته اول دروس خانه‌داری دسته دوم دروس زبان خارجه را دنبال می‌نمودند تا به اخذ درجه لیسانس نائل شوند. این برنامه سه سال دنبال و عملی شد تا اینکه در سال تحصیلی ۴۶-۴۷ برنامه جدید مدرسه شامل دوره عمومی فوق دیپلم و دوره اختصاصی لیسانس برای رشته خانه‌داری در قسمت‌های هنرهای تزئینی، تغذیه، طراحی و خیاطی و برای رشته مترجمی و منشیگری در قسمت‌های حسابداری مترجمی در تاریخ ۲۴/۴/۴۷ به شماره ۴۷۲۱ به تصویب وزارت علوم رسید و از اول سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ به مرحله اجرا در آمد» (فاطمی، بی تا: ۱۵۰-۱۵۱).

در رشته روانشناسی نیز بنا بر پیشنهاد گروه تغییرات و اصلاحاتی جهت تصویب به وزارت علوم ارجاع داده شد. این اصلاحات «به موجب نامه شماره ۶۰۵۳/ل در تاریخ ۸ مرداد ماه ۱۳۴۸ به تصویب وزارت علوم رسید. بر طبق این برنامه روانشناسی مدرسه عالی دختران ایران دارای دو قسمت عمومی سه ساله و تخصصی یک ساله در قسمت‌های کودکان استثنائی، روانشناسی صنعتی، راهنمایی و تربیت دبیر علوم تربیتی گردید. این برنامه نیز از شهریور ماه ۱۳۴۸ به مرحله اجرا در آمد» (همان، همانجا).

لازم به ذکر است که برنامه تربیت دبیر در رشته‌های مختلف مدرسه، که از همین سال به اجرا درآمد نیز بنابر درک این موضوع از سوی مسئولان مدرسه بوده است که باید بتواند مستقیماً در مهارت افزایی منتج به اشتغال دانشجویان مفید باشد. هر چند وزارت علوم با این پیشنهاد موافقت کرد، اما در نامه‌ای به مدرسه عالی اعلام نمود که وزارت آموزش و پرورش هیچ تعهدی برای استخدام فارغ‌التحصیلان این مدرسه نخواهد داشت (کارنامه سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ و راهنمای سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱: ۳۶).

البته تغییرات در سه رشته اولیه، به این میزان نبود و در نهایت با توجه به اهمیت تخصصی شدن دروس برای مهارت افزایی دانشجویان، در سال ۱۳۵۰ نیز اصلاحات پیشنهادی مدرسه که به تأیید شورای مرکزی دانشگاه‌ها نیز رسید اجرا شد و خروجی آن شامل هفت رشته تخصصی بود. در گزارش مؤسس کالج دختران ایران این‌گونه گزارش شده است: «در تاریخ اول آذرماه ۱۳۴۹ برنامه جدیدی به وزارت علوم پیشنهاد

شد که طبق آن مدرسه عالی دختران ایران دارای هفت رشته روانشناسی، حسابداری، خدمات اداری و مدیریت، مترجمی، تغذیه، طراحی و خیاطی، هنر و تزئین داخلی است. مدت شش ماه پیشنهاد مدرسه در وزارت علوم مورد بررسی بود. کمیسیونهای مختلفی تشکیل گردید و سرانجام در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۵۰ به شماره ۱۷۵۰/الف ۱۶۰۳۵ برنامه‌های مصوب هفت رشته پیشنهادی تصویب و به مدرسه ابلاغ گردید و از شهریور ۱۳۵۰ از داوطلبان برای رشته‌های بخصوص ثبت نام و امتحانات ورودی به عمل آمد» (همان، همانجا).

رشته‌های هفت‌گانه که منتج از رشته‌های اولیه فنون خانه‌داری، مترجمی زبان‌های خارجی، منشیگری و روانشناسی بود، همان‌گونه که از خروجی‌های تخصصی آن مشخص می‌گردد، در طی مسیر تجربه آموزشی متولیان مدرسه و تلاش برای بهینه‌سازی برنامه‌های آموزشی در ارتقای کاربردی نمودن دروس بوده است. مثلاً رشته فنون خانه‌داری که رشته مختص مدرسه عالی بوده و برای اولین بار در این محیط علمی تأسیس شد و رشد کرد، مطابق با اهداف کلان آموزشی در امر آموزش زنان ایجاد شد و با ایجاد واحدها و سپس رشته‌های تخصصی از درون آن منجر به مهارت‌افزایی دانشجویان هم در امر خانه‌داری جهت اعمال نقش‌های جنسیتی ایشان به مانند مادری و همسری، هم در ایجاد مسیر اشتغال برای ایشان در بیرون و خارج از محیط خانواده شد.

همچنین در بُعد دروس عمومی نیز مباحثی تدریس می‌شد که دارای کاربرد عینی بوده است. نمونه‌های آن گذراندن ۱۲ واحد زبان خارجی، ۱۲ واحد زبان فارسی و دروسی چون علم اقتصاد و مبانی سیاست و علم اخلاق با اساتید متخصص است و نشان‌دهنده آن است که مثلاً دانش آموخته رشته فنون خانه‌داری و دیگر رشته‌های مدرسه، طبیعتاً به هنگام دانش‌آموختگی نه تنها در بعد تخصصی انتخابی دارای مهارت نسبی باشند، بلکه از نظر درک مسائل اقتصادی نیز، توانایی نوشتار صحیح و فهم یک زبان خارجی در شرایط مناسبی قرار داشته باشند.

جدول شماره ۱: اساتید و دروس عمومی مدرسه عالی دختران در سال تحصیلی ۴۷-۴۸

نام استاد	واحد مورد تدریس
طیبه احتشام: فوق لیسانس روانشناسی از آمریکا	روانشناسی مقدماتی
ظفر دخت اردلان: دکترای حقوق از سوئیس	علم الاجتماع
دکتر احمدی: دکترای اقتصاد	جامعه شناسی
دکتر سیاوش آگاه: پزشکی دانشگاه تهران	بهداشت و کمک های اولیه
علیمحمد اقتداری: دکترای علوم اداری از آمریکا	اقتصاد
منوچهر تهرانی: دکترای اقتصاد دانشگاه تهران	اقتصاد
دکتر ربابه کیانوری: متخصص بیماری های زنان: آمریکا	بهداشت و کمک های اولیه و راهنمای ازدواج
محسن مویدی: دکتری الهیات از دانشگاه تهران	علم اخلاق
محمد مشایخی: دکترای حقوق از فرانسه	استاد سیر تحول علوم
محسن نصر: دکترای حقوق از فرانسه	علم الاجتماع
حسین ناظم: دکترای علوم سیاسی از آمریکا	علم سیاست

- مروری اجمالی بر دلایل تأسیس رشته‌ها، مباحث تخصصی و تاثیر آن بر مهارت افزایی دانشجویان

همان‌گونه که ذکر شد رشته فنون خانه‌داری، اولین بار در مدرسه عالی دختران طراحی و اجرا شد. در کتاب گزارش عملکرد مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷ در مورد اهداف ایجاد رشته مذکور آمده است: «منظور از تأسیس رشته خانه‌داری در مدرسه عالی دختران ایران که برای اولین بار... در ایران تأسیس گردیده است آماده کردن دوشیزگان و بانوان برای قبول مسئولیت‌های خانوادگی است. اجتماع امروز کشور به مادران دانشمند و آگاه به کلیه علوم و فنون خانه‌داری و اداره خانواده نیاز مبرم دارد. باید بانوان ایرانی که مسئولیت مهم اداره خانواده را به عهده می‌گیرند علاوه بر داشتن معلومات عمومی با پیشرفت‌های علوم در دنیای امروزی (علم روانشناسی اخلاق، روابط افراد خانواده با یکدیگر، شوهرداری و بچه‌داری، زیبا نگهداشتن محیط خانه و طرح‌ریزی برای تزئین ساختمان آن، اصول فن طبخ و تغذیه، خیاطی و پارچه شناسی و هنر و اقتصاد خانه) آگاهی کامل پیدا کنند تا بتوانند در خانه خود محیطی از هر حیث دلپذیر به وجود آورند و فرزندان خود را افرادی لایق و مؤثر برای اجتماع تربیت کنند... در اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور ضرورت ایجاد نمود که بانوان علاوه بر

اینکه برای زندگی مرفه خانوادگی آماده می‌شوند در یکی دو قسمت هم تخصص پیدا کنند که اگر مایل بودند برای کمک به اقتصاد خانواده در خارج کار کنند، مهارت کافی داشته باشند، بدین جهت از سال جاری سالهای آخر (سال سوم و چهارم) این رشته علاوه بر مواد عمومی به سه قسمت تغذیه، خیاطی و طراحی و پارچه‌شناسی، هنر و تزئین داخلی تقسیم گردید و دانشجویان علاوه بر درس عمومی خانه‌داری یکی از سه رشته فوق‌الذکر را بنا به تمایل و استعداد خود و با موافقت اولیاء این مؤسسه انتخاب و زمان تحصیل خود را بیشتر به این قسمت اختصاص دهند» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۲۲۹).

رشته روانشناسی نیز جزء نخستین رشته‌های مدرسه عالی دختران است که از همان آغاز بر مبنای دوره لیسانس تعریف شد. این رشته که نخستین ورودی آن در مهر ماه ۱۳۴۴ شمسی بود، بر اساس طرح درس‌های رشته روانشناسی در دانشگاه تهران نوشته شد و با کمترین تغییرات (به علت استفاده از تجربه علمی دانشگاه مادر) همراه بود، اما در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۷، بعد از مطالعات علمی لازم، رشته تربیت مربی و مدیریت مهدکودکان و کودکستان‌ها به مثابه یکی از شاخه‌های تخصصی این رشته تأسیس شد. در کتاب گزارش عملکرد مدرسه در سال تحصیلی مذکور دلایل تأسیس این شاخه که در مقطع فوق دیپلم طراحی شده بود و همچنین علت اهمیت دادن به رشته روانشناسی در برنامه‌های آموزشی مدرسه این‌گونه آمده است: «چون جمعی از دانشجویان این دانشکده والدینی هستند که خود سرپرستی کودکان را به عهده دارند و یا آموزگاران و دبیران و سایر مربیانی می‌باشند که مستقیم و غیر مستقیم در آموزش و پرورش جوانان کشور دخالت می‌نمایند، لذا تعلیم اصول روانشناسی به آنان کمال ضرورت دارد. در مورد سایر دانشجویان این رشته نیز باید گفت که هیچ حرفه و شغلی در زندگی اجتماعی نیست که کم و بیش روانشناسی در آن دخالت نداشته باشد و فرا گرفتن این علم به میزان قابل توجهی در وضع آن مؤثر واقع نگردد» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۱۰۶ و ۱۶۰).

هر چند این شاخه نیز در اصلاحات و تغییرات بعدی رشته روانشناسی حذف و اصلاحات بنیادینی در ارتباط با آن انجام شد، اما نگاهی به واحدها و مباحث تدریس شده در آن که در جدول بعدی نام بخشی از آن‌ها به همراه نام اساتید به عنوان بخشی

از داده‌های رشته روانشناسی ارائه می‌شود، به خوبی نشان دهنده کاربردی بودن آن، به ویژه، در سال‌هایی است که هیچ دانشگاهی در ایران تخصصی به این حیطه ورود نکرده بود.

جدول شماره ۲: اساتید و دروس تخصصی رشته روانشناسی

نام استاد	واحد مورد تدریس
طیبه احتشام: فوق لیسانس روانشناسی از آمریکا	مطالعه احوال کودک، روانشناسی عمومی و اجتماعی
فخر السادات امین: فوق لیسانس علوم اجتماعی: تهران	آمار
مانوس اجلالی: دیپلم عالی اداره مهد از آلمان	سرپرست کارآموزی دانشجویان مهد کودک
غلامرضا بهرامی: دیپلم رشته پزشکی از ژنو	روانشناسی ژنتیک
حسین بنائی: دکترای تعلیم و تربیت از آمریکا	فعالیت‌های هنری و ورزش
ربیع بدیعی: دکترای جغرافیا از سوئیس	تدریس جغرافیای انسانی
ابوالقاسم پور حسینی: فوق لیسانس فلسفه: تهران	تاریخ تمدن
مهدی جلالی: دکترای روانشناسی	پهداشت روانی
محمود خلیقی: فوق لیسانس روانشناسی	روانشناسی عملی، نوجوانی، روش‌های تحقیق-هوش
محمد خوانساری: دکتر فلسفه سوربن	تاریخ آموزش و پرورش
فخر ایران خواجوی: فوق لیسانس علوم اجتماعی	فعالیت های هنری
علیمراد داودی: دکترای فلسفه تهران	فلسفه عمومی، فلسفه علوم
دکتر مهدی راسخ: دکترای فلسفه روانشناسی: ژنو	روانشناسی علمی، روانشناسی کودکان نابهنجار
دکتر آذر رهنما: دکترای تعلیم و تربیت از سوربن	مبانی تعلیم و تربیت
مسعود رضوی: فوق لیسانس روانشناسی: آمریکا	هوش
منوچهر سهانی: متخصص جراحی دانشگاه تهران	فیزیولوژی
مهین سپانلو: لیسانس زبان دانشگاه تهران	ورزش
سعید شاملو: دکترای روانشناسی از آمریکا	روانشناسی کلینیکی
ابوالقاسم قربانی: لیسانس ریاضی و تخصصی	ریاضی
کریم مجتهدی: دکترای فلسفه از فرانسه	فلسفه علوم
توران میرهادی: لیسانس روانشناسی: سوربن	فعالیت های اجتماعی
نام استاد	واحد مورد تدریس
خسرو مهندسی: دکترای روانشناسی: آمریکا	روان سنجی
حسن ملکشاهی: دکترای فلسفه دانشگاه تهران	صرف و نحو عربی، قرائت عربی
محمد تقی مرتضوی: دکترای الهیات و معارف اسلامی	صرف و نحو
محسن نصر: دکترای حقوق از فرانسه	جامعه شناسی
مصطفی نجاحی: دکترای فلسفه از فرانسه	روانشناسی عواطف و انگیزه ها
حسین ناظم: دکترای علوم سیاسی از آمریکا	سیاست
ابراهیم هاشمی: دکترای روانشناسی از فرانسه	نوجوانی، روانشناسی کلینیکی
حسین نصر: دکترای تاریخ ادیان و فلسفه: آمریکا	تاریخ تمدن

داده‌های جدول مذکور، در نگاه اول نشان از تلاش متولیان مدرسه عالی در استفاده از اساتید متخصص است که بدون شک در انتقال دانش نقشی مهم داشته است. همچنین توجه مدرسه به استفاده از بانوان دارای مدرک دانشگاهی و متخصص در

| برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایرن و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان | ۱۰۳

جایگاه الگوهایی موفق نیز قابل ردیابی است. این امر حکایت از اهتمام متولیان در پیاده‌سازی اهداف برای کاربردی نمودن علوم و ارتقاء آن‌ها به سطح مهارت‌افزایی می‌باشد.

مترجمی زبان‌های خارجی و منشیگری از نخستین رشته‌های مدرسه بود که در روند توسعه و اصلاحات از دل آن رشته‌های حسابداری، خدمات اداری و مدیریت و مترجمی به وجود آمد که با تبدیل شدن مدرسه به دانشگاه مسیر پیشرفت ویژه‌ای را طی کردند. هر چند، در منابع موجود از علل اولیه و اهداف آغازین تأسیس این رشته به صراحت نوشته نشده است، اما در ذکر علل ایجاد رشته‌های منبعث از آن مثلاً حسابداری و ضرورت آموزش آن به دختران این‌گونه آمده است: «به علت توسعه و ازدیاد واحدهای بازرگانی و صنعتی احتیاج به حسابداران تحصیل کرده و مجرب روز به روز بیشتر می‌شود. به همین سبب قسمت حسابداری در رشته زبان‌های خارجی مدرسه عالی دختران به وجود آمده است تا جواب‌گوی احتیاجات واحدهای بازرگانی و صنعتی باشد. دانشجویان این رشته در دوره فوق دیپلم به اصول حسابداری بازرگانی آشنا می‌شوند و در آن حد می‌توانند دفترداری واحدهای بازرگانی را به خوبی اداره کنند. در دوره لیسانس دروس تخصصی حسابداری طوری تنظیم شده است که به دانشجویان اطلاعات کافی برای احراز شغل حسابدار ارشد را در واحدهای مختلف پس از فراغت از تحصیل بدهد. این‌گونه دانشجویان به علت اطلاعات نظری و تجربیاتشان که در عمل کسب می‌کنند به سادگی جذب واحدهای بازرگانی و صنعتی می‌شوند و راه برای ارتقاء مقامشان همیشه باز است» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹، ۱۳۴۹: ۳۱۸).

همان‌گونه که ذکر شد، کریم فاطمی با سال‌ها تجربه مدیریتی در امر آموزش و با تحصیلات و مطالعات این حوزه، اقدام به تأسیس مدرسه عالی دختران نمود. نگاهی به گزارش‌ها و اسناد موجود نشان دهنده آن است که اهتمام او در به‌کارگیری افراد متخصص در حوزه‌های مختلف نشئت گرفته از توجه او و هیئت همراه به تخصص‌گرایی است که به ویژه در انتخاب و دعوت از اساتید مجرب نیز دارای نمود پرنرنگی است. علی دهقان معاون مدرسه نیز با اشاره به این سیاست فاطمی در جذب افراد سرشناس در جهت معروف شدن مدرسه می‌نویسد: «سعی می‌کرد افراد سرشناس فرهنگی و دانشگاهی مانند علی‌اکبر سیاسی، دکتر رضازاده شفق، وحید مازندرانی، دکتر

جلال کسایی، دکتر محمد مشایخی، دکتر مصطفی نجاحی، دکتر نمازی، عباس جدلی، نبیلی و سایرین را ولو چند ساعت در هفته هم باشد در مدرسه عالی دختران مشغول نماید» (دهقان، بی تا: ۱۱۵-۱۱۶).

نگاهی به فهرست مهم‌ترین اساتید مدرسه عالی دختران و تخصص آن‌ها (که در جدول‌های بالا ارائه شد و در ادامه نیز به آن‌ها پرداخته می‌شود) و همچنین واحدهای دروس تخصصی که در رشته‌های پایه و سه‌گانه اولیه و رشته‌های برگرفته از آن‌ها تدریس می‌شده است به خوبی نشان دهنده این است که متولیان مدرسه عالی دختران تمام تلاش خود را در جذب افراد متخصص هر رشته برای انتقال دانش و ارتقاء مهارت به دانشجویان مورد توجه قرار می‌دادند.

در درسی به نام آرایش که در دو قسمت نظری و عملی در سه واحد و با ۵ ساعت تدریس در هفته ارائه می‌شد، مباحثی چون آرایش مو و صورت همراه با تمرین عملی و شناخت علمی از رابطه زیبایی و بهداشت، آناتومی پوست و مو، آشنائی با بیماری‌های معمولی پوست و ناخن و مو ارائه می‌شد، یا درسی به نام آداب پذیرائی شامل یک واحد نظری و یک واحد عملی و محتوایی چون شناخت در باب تزئین میز غذاخوری، سرویس‌های لازم، چگونگی ترتیب یک پذیرائی، نکات و دانستنی‌های پذیرائی بود. همچنین در دروسی چون آشپزی و خیاطی (۳ واحد با ۶ ساعت تدریس در هفته) نیز، به صورت حرفه‌ای انواع غذاهای ایرانی و خارجی به صورت عملی و دوخت انواع لباس‌های کودکان و بزرگسالان و حتی آموزش دوخت انواع پرده‌ها و کاورهای مبلمان تدریس می‌شد و دانشجویان باید به صورت عملی برای امتحان پایان ترم نمونه کارهای مورد نظر را ارائه می‌دادند. (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۲۳۴).

جالب آنکه در همین رشته و دوره‌های تخصصی آن، درسی به نام «طرز کار ماشین‌های ساده خانه و اختراعات جدید» نیز قابل مشاهده است. در این درس چهار واحدی که مبتنی بر کار عملی بود دانشجویان با سیم‌کشی لامپ، کلید، مهتابی، تلفن، کار با هویه برقی، آشنائی با ساختمان و طرز کار و نگهداری و تعمیرات ساده دستگاه‌هایی چون جارو برقی، لباسشویی، ظرفشویی، انواع بخاری، انواع کولر، چرخ خیاطی، چرخ گوشت، ضبط صوت، نگهداری لوله‌کشی و آب‌بندی و رفع نیاز با وسایل

برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایرن و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان | ۱۰۵

اولیه نجاری مثل اره، رنده، مته و اختراعات جدید آشنا می‌شدند و در کارگاه عملی با انواع خرابی و چگونگی تعمیرات آن شناخت پیدا می‌کردند (همان، ۲۵۰). شناختی که می‌توانست در عین ایجاد مهارت در خانه‌داری، چنانچه جامعه پذیرا بود، سبب ایجاد اشتغال بیرون از خانه نیز شود.

لیست اساتید واحدهای تخصصی این رشته نیز قابل توجه است. از بیست و دو استاد ذکر شده، هفده استاد را اساتید خانم و البته متخصص تشکیل می‌دهند، که به خوبی نشان‌دهنده جایگاه ایشان در ایجاد تحول است.

جدول شماره ۳: اساتید و دروس رشته فنون خانه داری

نام استاد و تخصص تحصیلی	واحد مورد تدریس
مهین ادیب:لیسانس خانه داری-فوق لیسانس علوم اجتماعی	معلم آداب پذیرایی-تنظیم بودجه و اداره منزل
فریده آزاد: لیسانس دکوراسیون از آمریکا	معلم هنرهای تزئینی-رسم معماری-پرسپکتیو
گیتی آذری:لیسانس طراحی داخلی از آمریکا	معلم تزئین و نگهداری منزل
سدا پطروسیان: دیپلمه ژاندارک،دیپلم کارآموزی زبان فرانسه از سوربن، گواهینامه آشپزی از پاریس	معلم آشپزی
دکتر پروین تسلیمی:مهندس شیمی و دکتر در رشته بیوشیمی	تدریس شیمی آلی و عمومی
دکتر منوچهر تهرانی: دکترای اقتصاد دانشگاه تهران	اقتصاد
دکتر یوسف خسروپور: دکترای روانشناسی	تدریس روانشناسی کودک
آذر دهدشتی: فوق لیسانس علوم تربیتی دانشگاه تهران	معلم روانشناسی و مترجم خانم هایگت
ماریاتزرا رافت: دیپلم عالی حسابداری	معلم تهیه غذا برای هتل و آشپزی
دکتر باقر عاملی: دکتر در حقوق	مبانی حقوق خانواده
صغری ناهید فریار: لیسانس خانه داری-فوق تغذیه	معلم اصول فن طبخ
مهندس جواد فلاحتی: مهندس فوق لیسانس درمکانیک	معلم طرز کار با ماشینهای ساده خانه
اعظم کنیر زاده: لیسانس طراحی و خیاطی از لندن	معلم خیاطی،طرح مدل لباس-ضمیمه دوزی
رینا الکسیم کسانلی	معلم زبان انگلیسی
دکتر ربابه کیا: متخصص جراحی زنان و غدد داخلی از آمریکا	تدریس بهداشت خانواده-کمک های اولیه
دکتر فروغ کیا: دکتر در طب و تخصص در امراض زنان از فرانسه	تدریس فیزیولوژی و بیولوژی-پرستاری و بچه داری
نام استاد و تخصص تحصیلی	واحد مورد تدریس
بتول گنجه ای: دیپلم از آکادمی خیاطی مونیخ	معلم خیاطی تکمیلی-دوخت تجارتي-تعیین الگو
عصمت مولوی: لیسانسیه مامانی از دانشگاه تهران-گواهی در رشته زیبایی از مدرسه ماریلو لوس آنجلس	معلم آرایش
زهرا منصوری: لیسانس عالی طراحی از لندن:سن مارتین	معلم طراحی
مهندس خسرو مشیری:گواهینامه شیمی رنگ(تکنیک) از آلمان.	معلم آزمایشگاه پارچه شناسی
نسرین نویدی: فوق دیپلم از انگلستان	مترجم خانم تاش
نیر ملک نیری: فارغ التحصیل هنرکده هنرهای زیبای رم	معلم کاردستی

در رشته مترجمی زبان‌های خارجی و منشیگری نیز همسین روال کاربردی بودن و کمک به مهارت‌افزایی دانشجویان مشهود است. مثلاً با توجه به آنکه منشیگری در ادارات مختلف دولتی و شرکت‌های خصوصی شغلی زنانه محسوب می‌شد، واحدهای درسی عملی این رشته در راستای تربیت دانش‌آموختگانی ماهر بوده است. آشنایی با ماشین‌های اداری و ماشین‌نویسی در سه نوع مقدماتی، پیشرفته و تکمیلی با مباحثی چون شناخت اجزاء ماشین تحریر، طرز استفاده از آن، روش صحیح ضربه زدن، تحریر نامه‌های فارسی و لاتین، طرز تحریر نامه‌های رونوشت‌دار، روش تحریر کارت ویزیت و پاکت‌های متعدد، تحریر نامه‌های اداری، مالی و صورت حساب و فرم‌های مالی از جمله مباحث مهمی بود که در این دروس تدریس می‌شد (همان، ۲۰۹-۲۱۱).

طراحی برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایران، در پی متعادل‌سازی مهارت‌ها برای اشتغال‌زایی در محیط خانه و سطح اجتماع بوده است. رشته زبان‌های خارجی و منشیگری، در مقابل رشته فنون خانه‌داری دقیقاً دارای چنین شرایطی است و هدف اصلی ایجاد آن گشودن مسیرهای اشتغال در خارج از خانه برای زنان بوده است. این موضوع نه تنها در واحدهای درسی بلکه در کارآموزی‌های مستمر آن‌ها نیز مشهود است.

در اسناد مرتبط با سال ۱۳۵۰، فرآیند کارآموزی دانشجویان این رشته در تعطیلات تابستان این‌گونه گزارش شده است: «در تعطیلات تابستان همه ساله عده‌ای از دانشجویان مدرسه عالی دختران در مؤسسات و ادارات دولتی و ملی مشغول کارآموزی می‌شوند. در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ علاوه بر دانشجویانی که شخصاً از مدرسه عالی گواهی گرفته و در مؤسسات مختلف مشغول کارآموزی شده‌اند به ادارات زیر نیز از طرف مدرسه عالی دختران کارآموز به تعداد درخواستی معرفی شده و مشغول کارآموزی شده‌اند: بانک ملی ایران: ۱۰ نفر در رشته‌های حسابداری و منشیگری، سازمان برنامه: ۱۰ نفر در رشته‌های حسابداری و منشیگری، شرکت ملی نفت: ۴ نفر از رشته حسابداری و چهل نفر نیز از دانشجویان داوطلب هر کدام چند ساعت در دبیرستان‌ها تدریس می‌نمایند» (کارنامه سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ و راهنمای سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱، ۱۳۵۱: ۳۴۲).

برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایرن و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان | ۱۰۷

نکته مورد توجه در این گزارش، درخواست سازمان‌های دولتی معتبر از مدرسه عالی دختران برای اعزام کارآموز است، که خود می‌تواند دلیلی بر موفقیت مدرسه در تربیت نیروی ماهر مورد نیاز جامعه نیز باشد. همچنین که نشان از تغییر فضای فکری زمانه دارد و می‌تواند به ایجاد اعتماد نسبت به زنان در حوزه کاری نیز تعبیر گردد.

جدول شماره ۴: اساتید گروه زبان های خارجی و منشی گری

نام استاد و مدرک (زبان انگلیسی)	نام استاد و مدرک (زبان انگلیسی)
دکتر فرانکلین باروز: دکتری از برکلی کالیفرنیا	دکتر فرانکلین باروز: دکتری از برکلی کالیفرنیا
کارول شمیری: فوق دیپلم از کالج آمریکا	گیتی آذری: A.B از آمریکا
وراسیروس: دیپلم انگلیسی از لندن	پوراسحاق: B.A در زبان و ادبیات از ادنبورو
ورونیکا تاش: لیسانس ادبیات	نام استاد و مدرک (زبان فرانسه)
فیلس ترز: M.A در انگلیسی از آمریکا	ایملدامورن: دیپلم زبان شناسی عمومی از بروکسل
ماریلین میراحمدیان: B.S از دانشگاه تولسای آمریکا	هلن نجاحی: لیسانس از آلیانس فرانسه
کریستین نوایی: B.A از کانادا	ژیلبرت فاطمی: دیپلم فرانسه از انیستیتو فرانسه: تهران
لئورا مهاجرین: B.A از آمریکا	ژینت وان هک: لیسانس مترجمی فرانسه
ایروانی: B.A از آمریکا	آن ماری صدرات: لیسانس زبان از دانشگاه بوردو
دناوشادخو: B.S از آمریکا	لوئیزنبوی: لیسانس حقوق از دانشگاه پاریس
رت پاچت: M.A از دانشگاه استنفورد	عظمی نفیسی: لیسانس فرانسه از دانشگاه تهران
الن توکلی: B.A از آمریکا	نیکول استروبانس: لیسانس مترجمی زبان
هوشنگ تورانی: زبان دانشگاه تهران	ناصر سیاح: لیسانس از دانشگاه تهران
پردام: B.A از آمریکا	علی وحیدی: دکتر ادبیات زبان فرانسه
دیانا خشبی: B.A از آمریکا	ماری رز عیاری: لیسانس زبان از دانشگاه کرونبول
ساندرا ابولحاج: دیپلم انگلیسی از نیویورک	نام استاد و مدرک (زبان آلمانی)
میترا نوایی: لیسانس انگلیسی از لاهور	خانم انیگاریتر: فارغ التحصیل زبان و موسیقی از پراگ
صابره پرویزی: B.S از آمریکا	روزماری پهمنی: B.A تکنولوژی کالج لوباک تگزاس
نانسی انواری: B.A از دانشگاه ایلینوز	انیکه حبیبی: تصدیق تدریس از منوکن و تهران
جین زابل: دیپلم از انگلستان	هلگاداو: دکتر در رشته ادبیات آلمانی و تاریخ
شمیل زاده: B.A از دانشگاه واگنر نیویورک	
مورث: B.S از آمریکا	
فیلس طهماسبی: B.S از آمریکا	
وحید مازندرانی: لیسانس حقوق و سیاسی از تهران	

جدول شماره ۵: استاد گروه زبان های خارجی و منشی گری

نام استاد و تخصص	واحد مورد تدریس
هادی حکمی: لیسانس انگلیسی و فوق حسابداری	اصول منشیگری-دفتر داری-حسابداری
طغرل آذر: لیسانس انگلیسی و فوق تجارت از آمریکا	مکاتبات بازرگانی و منشیگری-شورت هند
منوچهر ملکیان: حسابدار خیره از انگلستان	حسابداری بازرگانی
شیرین افشار(گرچی): لیسانس اقتصاد از انگلستان	ماشین نویسی-مکاتبات بازرگانی
منصور احمدی: فوق لیسانس حسابداری	دفترداری-حسابداری
دکتر حسین وحیدی: دکتر اقتصاد از دانشگاه تهران	امور عمومی بازرگانی
پرویز اظهاری: لیسانس زبان از دانشگاه تهران	حسابداری
دکتر عباس جامعی: دکتر حقوق دانشگاه تهران	تدریس آمار بازرگانی
ابوالقاسم قربانی: لیسانس ریاضیات از دانشگاه تهران	تدریس ریاضیات
نام استاد و تخصص	واحد مورد تدریس
اسدالله نبیلی: لیسانس انگلیسی و فوق تجارت از آمریکا	منشیگری و خلاصه نویسی و مکاتبات بازرگانی
مهندس مصطفی هرمزی: مهندس از دانشگاه تهران	تدریس ماشین های اداری-ماشینهای حساب
محمد علی باقریه: لیسانس از دانشگاه تهران	تدریس ماشین نویسی
مهندس رضیانی: فوق لیسانس از پلی تکنیک	تدریس ماشین نویسی
ماه منیر هرمزی: متخصص ماشین نویسی	تدریس ماشین نویسی

دو جدول بالا، به مانند دیگر گروه‌های درسی، ارتباط تخصص اساتید با دروس چشمگیر است. بیشتر اساتید مردان می‌باشند و اهتمام متولیان مدرسه عالی دختران در تربیت متخصصین این رشته به خوبی حاکی از دقت آن‌ها در پرورش زنان ماهر است. در رشته روانشناسی و گرایش‌های مختلف آن نیز می‌توان به وفور از درس‌ها و دوران کارآموزی نام برد که در راستای کاربردی بودن و افزایش مهارت دانشجویان تدوین شده بودند. شاخه مهدکودک یکی از آن موارد است. به عنوان مثال یکی از درس‌هایی که شخص کریم فاطمی در این گرایش تدریس می‌کرد با عنوان «سازمان و مدیریت مهد کودکان و کودکستانها و دبستانها» شامل مباحث کاربردی چون هدف تعلیم و تربیت در کودکستان‌ها و مهد کودکان، طرز انتخاب کارکنان کودکستان‌ها و دبستان‌ها و طرز تقسیم بندی محصلان در دبستان‌ها بوده است (همان، ۱۶۸).

این درس و برخی دروس دیگر با واحد عملی به صورت کارآموزی همراه بودند. مثلاً در گزارش‌های مرتبط با سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹، حدود صد ساعت کارآموزی به صورت بازدیدها، کارآموزی کوتاه مدت و بلندمدت را دانشجویان این رشته

| برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایرن و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان | ۱۰۹

گذرانده‌اند که در آن دوره‌ها، ساعت‌های متمادی را در کودکان‌های متعدد به فعالیت مشغول بودند (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹، ۱۳۴۹: ۱۳۴۸-۱۹۹۸).

مدرسه عالی دختران در طراحی برنامه‌های آموزشی و پیاده‌سازی آن در سرفصل‌های دروس مختلف، با انکار نکردن نیازهای زنان و توجه به نقش‌های جنسیتی مورد تأیید جامعه از جمله نقش مادری و همسری، سعی در طراحی و راه‌اندازی رشته‌هایی داشته است که با مهارت‌افزایی به صورت تخصصی و آکادمیک، خروجی کاربردی آن توانمند کردن نسبی زنان ایرانی در اداره امور خانواده و ایجاد شرایط اشتغال، حتی در نبود فرصت‌های شغلی مناسب در جامعه باشد. به گونه‌ای که دانش‌آموخته متخصص این مدرسه هم در رشته‌هایی مانند آرایشگری، خیاطی، آشپزی، منشیگری، حسابداری و ایجاد مهد برای کودکان و حتی به صورت انفرادی نیز با کسب تجربیات بیشتر بتواند فعالیت نماید. این امر می‌توانست حلقه پیوندی برای تأمین نیازهای جامعه از مسیر دانشگاه باشد و اینگونه ضرورت علم‌آموزی زنان را در جامعه هویدا می‌کرد.

- دروس فوق برنامه و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان

پیشتر ذکر شد که دو رویکرد «کارایی اجتماعی» و «بازسازی اجتماعی» در برنامه ریزی و پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی چه به صورت دروس تحصیلی و چه فوق برنامه‌های تکمیلی قابل ردیابی است. متولیان مدرسه عالی، با ایجاد امکاناتی چون تأسیس شبانه روزی برای تحصیل دختران شهرستانی در تهران و طراحی و اجرای رشته‌های کاربردی‌تر برای آموزش زنان ایرانی، از همان آغاز نیز سعی داشتند تا ضروری‌ترین امکانات رشته‌های تخصصی را نیز برای ارتقاء مهارت دانشجویان در مدرسه فراهم آورند که بخشی از این امکانات ساخت ساختمان‌های متعدد و آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های تخصصی رشته‌های ذکر شده می‌باشد. آزمایشگاه روانشناسی، زبان‌های خارجی و منشیگری و کارگاه‌های بخش خانه‌داری از این دست است (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵، ۱۳۴۵: ۸۳، ۱۳۳۶-۱۳۳۸).

این اهتمام در دروس فوق برنامه نیز وجود داشته است. طبق تصویب نامه شورای

استادان در سال ۱۳۴۷، هر دانشجو موظف بود «در سالهای تحصیلی اول و دوم برای فعالیت‌های ورزشی و یکی از فعالیت‌های اجتماعی (کتابخانه، سخنرانی، موزیک، انگلیسی، فرانسه، تئاتر، عکاسی، هنر و غیره) ثبت نام نموده و در زمینه پیشرفت فعالیت مورد نظر کوشش و معاضدت نماید... برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی و جلسات سخنرانی دو واحد منظور شده است. دانشجویی موفق به اخذ فوق دیپلم خواهد شد که علاوه بر دارا بودن ۷۰ واحد درسی موفق به اخذ دو واحد فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی نیز شده باشد» (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۲۰).

در همین راستا با نگاهی به اسناد و گزارش‌های مدرسه در سال‌های مختلف شاهد آن هستیم که در زیرمجموعه اداره امور دانشجویی و اجتماعی، علاوه بر توجه به ایجاد زیرساخت‌های مرتبط با تربیت بدنی، با شکل‌گیری انجمن‌های متعدد در حوزه‌های هنری چون موسیقی، تئاتر، عکاسی و غیره، فرصت‌هایی جهت شناسایی استعدادها و دانشجویان و ارتقاء مهارتی آن‌ها در حرفه‌های مختلف فراهم می‌آیند. در حوزه تربیت بدنی نیز می‌توان به علاقه‌مندی دختران دانشجو برای فعالیت در رشته‌های ورزشی چون والیبال، بسکتبال، دو و میدانی، پینگ پونگ و ژیمناستیک اشاره نمود. (راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۴، ۱۳۴۵: ۵۱)

توجه به توسعه و ارتقاء امکانات فیزیکی مرتبط با حوزه تربیت بدنی، که هدف از آن در وهله اول تأمین و تضمین سلامت دانشجویان بوده است، سبب موفقیت‌های گسترده دختران مدرسه عالی در عرصه مسابقات ورزشی نیز شده بود. گزارش‌های سالانه در منابع و اسناد سال‌های مختلف کالج نشانه متقنی بر تأیید ادعای مذکور است. به عنوان مثال در اردیبهشت ۱۳۴۷، مسابقات دو و میدانی با رقابت نمایندگان دانشگاهی برگزار شد که در آن دختران مدرسه عالی توانستند در پرش ارتفاع به مقام اول و سوم، در پرش طول به مقام اول و چهارم، در دوی هشتاد متر به مقام دوم، در پرتاب دیسک به مقام دوم و ششم و در پرتاب نیزه به مقام دوم دست پیدا کنند. همچنین در جمع نه تیم شرکت کننده که شامل دانشگاه‌هایی چون اصفهان، تبریز، شیراز و اهواز نیز بود، تیم مدرسه عالی دختران با کسب ۴۴ امتیاز به مقام اول نائل آمد و جام قهرمانی را از فدراسیون دو و میدانی دریافت داشت (راهنمای سال تحصیلی

۱۳۴۶-۱۳۴۷، ۱۳۴۷: ۵۰).

همچنین کسب مقام دوم در مسابقات ژیمناستیک در اسفند ۱۳۴۹ در رقابت با دیگر دانشگاه‌های کشور از دیگر افتخارات ورزشی نمایندگان مدرسه عالی دختران است (کارنامه سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰، ۱۳۵۰: ۳۲۸).

از دیگر نمونه‌ها می‌توان به شرکت نمایندگان مدرسه عالی دختران در مسابقات والیبال بین دانشگاهی در شهرستان رضائیه (ارومیه امروزی) در فروردین ۱۳۵۰ شمسی نیز اشاره کرد. در این دوره مسابقات دانشگاهی، تیم مدرسه عالی دختران از میان ۱۵ تیم، که شامل تیم‌های دانشگاه‌هایی چون اصفهان، پهلوی شیراز، آموزشگاه عالی پرستاری فیروزگر، دانشگاه تبریز و تهران می‌شدند، با هفت مسابقه و شش پیروزی به دست آورد و به مقام سوم این مسابقات دست پیدا کرد (همان، ۳۲۱-۳۲۲).

همان‌گونه که در صفحات بالا و در بررسی دلایل تأسیس مدرسه اشاره شد، اهداف فاطمی و حامیان او در این اقدام ملی، یکی تربیت مادران و همسران شایسته برای نظام خانواده و دیگری تربیت زنانی مفید برای جامعه بوده است. تحولی که مؤسس این کالج دخترانه و تیم همراه او به دنبال آن بود، بسترسازی فضایی امن برای گسترش تحصیلات عالی در بین زنان ایرانی بوده است. در گزارشی از نشریه مرکز مطالعه پیشرفت‌های ایران مورخ تیر ۱۳۵۳ که درباره ارزیابی انقلاب آموزشی تهیه شده است و در کتاب «ده سال خدمت» منعکس گردیده «در سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۲ یعنی آغاز تأسیس مدرسه عالی دختران ایران که هنوز مؤسسه عالی غیر دولتی دیگری به وجود نیامده بود شماره دانشجویان پسر کشور ۲۰۴۴۷ نفر یا ۸۲/۲ درصد کل دانشجویان و عده دختران ۴۴۳۸ تن یا ۱۷/۸ درصد مجموع بود. در سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ تنها ۱۴ نفر بر دانشجویان پسر و ۵۷۴ تن بر دانشجویان دختر کشور افزوده شد و پس از ده سال یعنی در سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۳ شمار پسران دانشجو بالغ بر ۸۷۰۰۲ نفر شد و تعداد دانشجویان دختر بر ۳۶۱۱۲ نفر فزونی گرفت و در حقیقت نسبت پسر و دختر به صورت ۷۰/۶ درصد پسر و ۲۹/۴ درصد دختر تغییر یافت و جهشی شگفت‌انگیز در پیشرفت تعلیمات عالی دختران جلوه‌گر گردید» (فاطمی، بی‌تا: ۶).

در این جهش اما نکته قابل توجه آن است که بنا بر آمار پذیرش دانشجو، در

مجموع فعالیت ده ساله مدرسه، تعداد ۱۹۵۷۳ نفر پذیرفته‌شدگان در مدرسه عالی دختران بودند (همان، ۸۹). لذا به قطعیت می‌توان گفت که مدرسه عالی دختران ایران نه تنها پذیرش بیش از پنجاه درصدی دختران دانشجو را در کشور برعهده داشته است. بلکه با ایجاد فضای مثبت و امن و همچنین خروجی قابل قبول، این انگاره را به جامعه و دیگر محیط‌های دانشگاهی نیز داده است، که زنان نیز قادر به موفقیت در تحصیلات عالی و درخشش در سطح جامعه، به شرط کسب مهارت‌های لازم می‌باشند.

نتیجه‌گیری

متولیان مدرسه عالی دختران در طراحی برنامه‌های آموزشی و پیاده‌سازی آن در دروس تحصیلی و فوق برنامه، سعی در ایجاد و راه‌اندازی رشته‌هایی داشتند که با کمک به مهارت‌افزایی به صورت تخصصی و آکادمیک، خروجی کاربردی آن توانمند کردن زنان ایرانی در اداره امور خانواده و ایجاد فضای کار برای ایشان، حتی در نبود فرصت‌های شغلی مناسب در جامعه باشد. رشته‌های سه‌گانه اولیه یعنی منشیگری و مترجمی زبان‌های خارجی، فنون خانه‌داری و روانشناسی و تخصصی شدن آن‌ها به صورت هفت رشته در سال ۱۳۵۳ با هدف ارتقاء تخصص‌گرایی جهت نیل به مهارت‌افزایی از جمله اقدامات قابل ذکر است. این تلاش حتی در دروس عمومی نیز قابل ردیابی بود. به گونه‌ای که علاوه بر دروس کاربردی چون علم اقتصاد و بهداشت، دروس عمومی مانند آموزش زبان فارسی و زبان خارجی انتخابی دانشجویان نیز با بیشترین تعداد واحد ارائه می‌شد.

نگاهی به سرفصل‌های بسیاری از دروس تخصصی رشته‌های هفت‌گانه مدرسه در سال ۱۳۵۳، که در جداول بالا ارائه شد، به همراه توجه به تخصص اساتید و همچنین میزان ساعات دروس نظری و عملی که همراه با کارآموزی‌های متعدد بوده است، نشان از اهتمام مسئولین مدرسه در تخصص‌محوری برای نیل به مهارت‌افزایی دارد. به گونه‌ای که پیاده‌سازی این برنامه‌های آموزشی در طراحی و اجرای دروس فوق برنامه دانشگاهی نیز مشهود است. موفقیت‌های دانشجویان در مسابقات بین دانشگاهی، همچنین تقاضای مؤسسات مختلف برای اعزام نیروی کارآموز، به خوبی گویای تأثیر

| برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی دختران ایرن و تأثیر آن بر مهارت‌افزایی دانشجویان | ۱۱۳

مثبت در تغییر فضای فرهنگی جامعه نسبت به تحصیل زنان و استفاده از توانمندی ایشان است.

کاربردی بودن و انتقال علمی مهارت‌های شغلی از دانشگاه به جامعه، حلقه اتصال نظام دانشگاهی و اجتماع است. متولیان مدرسه عالی دختران با درک این ضرورت سعی در پیاده سازی برنامه‌های آموزشی داشتند. این امر در صورت تداوم می‌توانست امروز «دانشگاه الزهرا» را به یکی از نمونه‌های موفق در این حوزه تبدیل نماید. امید که باز طراحی رشته‌های کاربردی و ارتقاء مهارت‌افزایی عملی دانشجویان، در سیاست‌های کلان آموزشی این دانشگاه مختص بانوان برای اشتغال‌آفرینی علمی دانش‌آموختگان آن با توجه بیشتر مورد هدف قرار گیرد.



منابع

- دهقان، علی (بی تا)، گفتگو با علی دهقان؛ از مجموعه تاریخ شفاهی، تهیه و تنظیم: مرتضی رسولی پور، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- شجاعی جشقانی، مالک (۱۴۰۰)، آموزش عالی فلسفه در ایران (گفتمان‌های فکری، برنامه‌ریزی آموزشی، مهارت و اشتغال)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فاطمی، کریم (بی تا)، ده سال خدمت در مدرسه عالی دختران ایران، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- کسری، محمدسالار؛ غلام نیارمی، آتنا (۱۳۹۹)، نگاهی انتقادی به علوم اجتماعی در ایران: آموزش، مهارت و اشتغال، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسه عالی دختران؛ راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵ (۱۳۴۵)، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- مدرسه عالی دختران؛ راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶ (۱۳۶۵)، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- مدرسه عالی دختران؛ راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۷ (۱۳۴۷)، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- مدرسه عالی دختران؛ راهنمای سال تحصیلی ۱۳۴۸-۱۳۴۹ (۱۳۴۹)، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- مدرسه عالی دختران؛ کارنامه سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ و راهنمای سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱ (۱۳۵۱)، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- ویسی، مهسا (۱۳۹۹)، بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش رشته باستان‌شناسی در ایران (تأسیس، توسعه، اشتغال)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Transliteration

- Dehghan, Ali (n.d), Conversation with Ali Dehghan; From the collection of oral history, prepared and edited by: Morteza Rasoulipour, Tehran, Institute of Contemporary History Studies.
- Fatemi, Karim (n.d), Ten years of service in Iran's Girls' High School", Tehran, Iran's Girls' High School.
- High School for Girls; 1349-1350 report card and guide for the academic year 1351-50 (1351), Tehran, Iran High School for Girls.
- High school for girls; Guide for the academic year 1345-1344 (1345), Tehran, Iran Girls High School.
- High school for girls; Guide for the academic year 1347-1346 (1347), Tehran, Iran Girls High School.
- High school for girls; Guide for the academic year 1348-1349 (1349), Tehran, Iran Girls High School.
- Kasraei, Mohammad Salar; Gholam Nyarmi, Athena (2019), A critical look at social sciences in Iran: education, skills and employment, Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Shojaee Joshoghani, Malek (1400), Higher education of philosophy in Iran (intellectual discourses, educational planning, skills and employment), Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Veisi, Mahsa (2019), Review of 82 years of archeology education in Iran (establishment, development, employment), Tehran, Research Institute for Humanities and Cultural Studies.

